روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۹۴۲۰۳۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزها

به احترام جوانانی که برای حقوق بشر تلاش می‌کنند

• امسال هم‌زمان با برگزاری روز جهانی حقوق بشر که برابر با ۱۰ دسامبر و ۱۹ آذر بود، محتوای بیشتر رسانه‌های جهان (از نیوزویک تا ابزرور جامائیکا) و بزرگداشت‌ها بر پایه تکریم جوانان بود. محور پیام آنتونیو گوترش دبیر کل سازمان ملل و میشل باچلت کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل نیز در ستایش از جوانانی بود که برای دسترسی همگان به حقوق بشر تلاش می‌کنند. در متن گوترش آمده است: «امسال، در روز حقوق بشر، نقش جوانان در زنده‌کردن حقوق بشر را جشن می‌گیریم. جوانان در سرتاسر دنیا راهپیمایی می‌کنند، سازماندهی می‌کنند و صدای خود را به گوش دیگران می‌رسانند: برای حق برخورداری از محیط زیست سالم.../ برای داشتن حقوق برابر برای زنان و دختران.../ برای شرکت در تصمیم‌گیری‌ها.../ و برای اینکه عقاید خود را آزادانه بیان کنند. آنان برای حق خود در داشتن آینده‌ای همراه با صلح، عدالت و فرصت‌های برابر راهپیمایی می‌کنند. هر فردی باید بدون درنظرگرفتن محل زندگی، بدون درنظرگرفتن نژاد، قومیت، منشأ اجتماعی، جنسیت، دیدگاه‌های سیاسی و... ناتوانی یا درآمد، یا هر وضعیت دیگری، از تمامی حقوق برخوردار باشد: حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی». او در پایان درخواست کرده است: «در این روز بین‌المللی، همگی را فرا می‌خوانم تا از جوانانی حمایت کنیم که برای حقوق بشر ایستاده‌اند». روز حقوق بشر بزرگداشت ۱۰ دسامبر سال ۱۹۴۸ و تصویب بیانیه جهانی حقوق بشر از سوی مجمع عمومی سازمان ملل است که حقوق انکارناپذیر همه مردم را تصریح کرد. اما امسال تأکید بیشتر بر جوانان است که به گفته دبیر کل «آنها کسانی هستند که حقوق بشر را زنده می‌کنند». باچلت، دبیر کمیساریای عالی حقوق بشر جهان، نیز با اشاره به فعالیت‌های این‌چنین و برگزاری کنفرانس COP۲۵ درباره تغییرات اقلیمی در مادرید در این چند روز گفته است: «وضعیت اضطراری آب و هوا عمیق‌ترین تهدید برای حقوق بشر از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون است. این وضعیت، حقوق بسیاری از مردم را در معرض خطر قرار می‌دهد؛ از جمله حق زندگی، سلامتی، غذا، آب، سرپناه، توسعه و استقلال. ما به همه میلیون‌ها کودک، نوجوان و بزرگسال که برای تغییر ایستاده‌اند و با صدای بلندتر صحبت می‌کنند، مدیون هستیم. این جوانان خاطرنشان می‌کنند که آینده آنها در معرض خطر است و آینده همه کسانی که حتی به دنیا نیامده‌اند. این جوانان هستند که باید عواقب کامل اقدامات یا عدم اقدام ما قدیمی‌ها را تحمل کنند. صدای این جوانان باید شنیده شود». محمد بنده، رئیس مجمع عمومی سازمان ملل، نیز تأکید کرده است: «ما باید از آرمان‌گرایی جوانان استفاده و آنها را توانمند کنیم تا برای حقوق برابر و برخورد منصفانه با همه، در همه‌جای دنیا بایستند. ما باید اطمینان حاصل کنیم که جوانان حق شرکت در تصمیم‌گیری و شنیده‌شدن صدایشان را دارند. دسترسی جوانان به آموزش فراگیر یکی از راه‌هایی است که تضمین می‌کند آنها از حقوق خود آگاه باشند». به گزارش نیوزویک، روز جهانی حقوق بشر، به ما یادآوری می‌کند چندی پیش جهان نتوانست شکاف بین مردم را پر کند و اختلافات آن‌قدر گسترده شد که سازمان ملل متحد به اتفاق آرا اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR) را تصویب کرد؛ بیانیه‌ای که حقوق همه افراد جهان را تدوین کرده بود. حقوقی مانند رهایی از رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز یا مجازات. حقوقی مانند آزادی اعتقاد، آزادی بیان، حضور در اجتماعات مسالمت‌آمیز، حق تشکیل و پیوستن به اتحادیه‌های کارگری. کلمه «جهانی» در این بیانیه یک انتخاب هدفمند بود و نشان می‌دهد که محصول اجماع میان سنت‌های متنوع حقوق جهانی است. دولت چین از آوریل سال ۲۰۱۷ بیش از یک میلیون اویغور و اعضای دیگر گروه‌های اقلیت مسلمان را به اجبار اردوگاه‌های کارآموزی در منطقه سین‌کیانگ چین فرستاده است. حتی کسانی که در خارج از اردوگاه‌ها زندگی می‌کنند، به لطف یک سیستم نظارتی در یک زندان هوایی آزاد به دام انداخته شده‌اند که حق انتخاب ظاهری و فکری را ندارند. در ونزوئلا، نیکلاس مادورو در یکی از ثروتمندترین کشورهای روی زمین، باعث شده است نزدیک به۲۰ درصد از مردم کشورش به گوشه و کنار جهان فرار کنند. هنگامی که شهروندان برای اعتراض به اشتباه او به خیابان‌ها رفتند، آقای مادورو بی‌پروا معترضان را سرکوب کرد. هر چند از زمان تصویب UDHR در سال ۱۹۴۸، دستاوردهای خارق‌العاده‌ای درباره آزادی بشر به وجود آمده است نظیر مبارزه ضد آپارتاید در آفریقای‌جنوبی در دهه ۱۹۷۰ و جنبش همبستگی لهستان؛ جایی که کارگران از دولت خواستند بدون ترس از سرکوب، به حق زندگی و کار آنها احترام بگذارد. داستان‌های بیشماری از افرادی که در گوشه و کنار جهان برای استیفای حقوق خود تلاش کردند، منتشر می‌شود مثل یک گروه از زنان بومی که به‌اجبار به بردگی جنسی در گواتمالا برده شده بودند اما به اندازه کافی شجاع بودند که داستان‌های خود را در دادگاه بیان کنند. همچنین ملاله یوسف‌زی که صرفا برای حضور در مدرسه، باوجود آسیب‌دیدگی و تهدیدهای مداوم طالبان، به یک صدای الهام‌بخش برای برابری تبدیل شد. همچنین روز جهانی حقوق بشر هم‌زمان است با پایان ۱۶ روز فعالیت برای رفع خشونت علیه زنان که به روزهای نارنجی معروف است.

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه • ۲۰ آذر ۱۳۹۸ • ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۴۴۱ • ۱۱ دسامبر ۲۰۱۹ • سال هفدهم • شماره ۳۵۹۴ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۷ • اذان مغرب ۱۷:۱۱ • اذان صبح‌فردا ۵:۳۴ • طلوع آفتاب ۷:۰۴

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

سرگئی سمندیاف

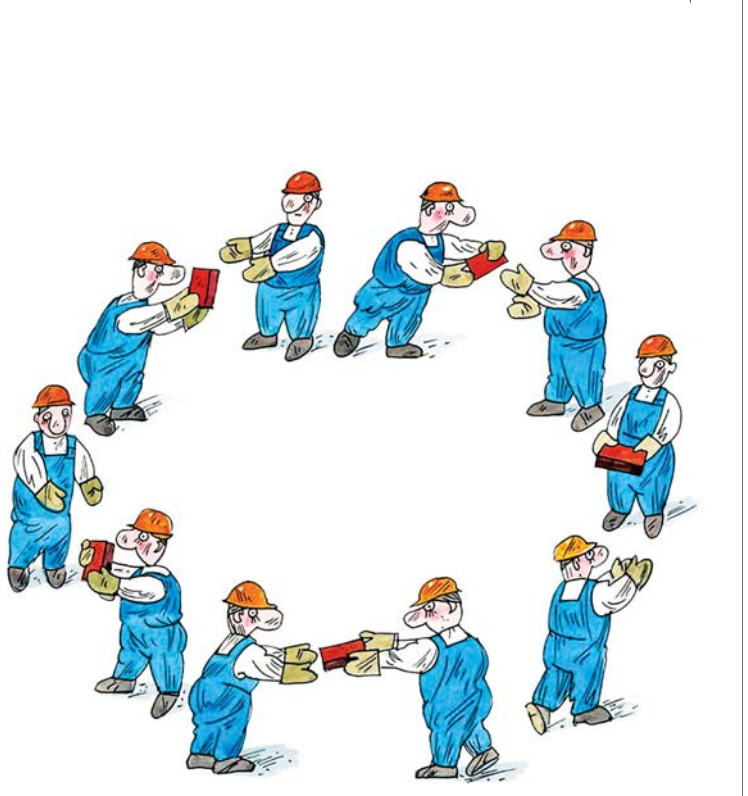

گفتار

دولت باید پاسخ‌گو باشد

هوشنگ پوربابایی
عضو کانون وکلای دادگستری

این‌روزها دو نامه از وکلا - یکی رئیس وکلای کانون‌های دادگستری و دیگری ۱۶۰ وکیل دادگستری - خطاب به رئیس‌جمهور و تذکر قانون اساسی درباره پیگیری مسائل پیش‌آمده بعد از اعتراض‌های آبان ۹۸ منتشر شده است. در زمینه تذکر قانون اساسی و همچنین مواردی نظیر امکان برگزاری تجمع که بنا بر اصل ۲۷ قانون اساسی یادآوری شده است، می‌توان گفت اشاره و تذکر حقوقی بر مبنای دو اصل ۱۱۳ و ۱۲۱ قانونی اساسی و مفاد سوگند ریاست‌جمهوری نکته مهمی است که باید مدنظر رئیس‌جمهور باشد. او که باید متعهد به پاسداری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و حقوق مندرج در آن برای ملت باشد، ایجاب می‌کند مواضع دولت را درباره موارد نقض‌شده در حوادث اخیر اعلام کند. در ادامه تحلیل هوشنگ بابایی‌پور درباره این نامه‌ها و تذکرات به رئیس‌جمهور را می‌خوانید:

این نامه‌ها می‌تواند تذکر متقن، حقوقی و کاملی باشد و رئیس‌جمهوری درواقع بابت تنش‌های جامعه از حیث اجتماعی، اقتصادی و... به عنوان کسی که مسئولیت اجرائی قوانین را دارد و پاسخ‌گو باشد. او باید طوری برنامه‌ریزی می‌کرد که از این تنش‌ها جلوگیری کند و فرقی هم نمی‌کند که مردم به ضرورت نیاز به تجمع اعتراضی نسبت به قیمت بنزین و شرایط سخت زندگی دچار تنش شده‌اند یا نهادها و سازمان‌هایی که باید در مقابل این تجمعات می‌ایستادند و مأمور چنین اقدامی بوده‌اند. درواقع یکی از وظایف رئیس‌جمهوری به لحاظ حقوقی تنظیم و تنسیق مسئولیت‌ها به طریق اولی در دولت است. سیاست‌های این مجموعه اجرائی فارغ از از درست یا نادرست‌بودن باید ضد تنش و در شرایط فعلی به دنبال اقناع مردم باشند تا وجدان عمومی قانع شود. چرا دولت به‌جای آنکه از بروز درگیری‌ها و تجمعات جلوگیری کند، خود باعث تنش و درگیری شده است؟! در این شرایط وجدان عمومی قناعت کامل را به دست نخواهد آورد و از چنین اقداماتی بسیار ناراحت است. رئیس‌جمهور باید بگوید چگونه است بین تجمعات مدنی و برخی از اغتشاشات افرادی که به دنبال سودجویی‌ها در درگیری‌های مقارن حضور داشته‌اند، تمایزی قائل نشده‌اند. درحالی‌که مردم عمده کسانی هستند که توان تحمل افزایش قیمت‌ها را نداشته‌اند و دست به تجمعاتی زده‌اند. در ضمن دولت باید مجددا راهبردهایی برای پذیرش افزایش قیمت بنزین در نظر بگیرد یا مجلس شورای اسلامی باید پیش‌زمینه‌هایی برای پذیرفتن چنین افزایش قیمت‌هایی در برابر شرایط اقتصادی دشوار ایجاد کند که از بروز چنین تنش‌هایی جلوگیری شود. چنانچه در این تجمعات بخشی از اموال عمومی و مردمی ضرر و زیان دیده است و برخی جانشان را از دست داده‌اند و برخی نیز آسیب دیده یا دستگیر شده‌اند، در همه این موارد دولت باید پاسخ‌گو باشد.

این بالارفتن قیمت بنزین در قانون هدفمندی یارانه در سال ۸۸ تصویب و پیش‌بینی شده و البته در مواد ۱ و ۳ همین قانون، دولت موظف است در برابر بالارفتن قیمت بنزین و حامل‌های انرژی تأمین اجتماعی را گسترش دهد و امتیازاتی را برای مردم در نظر بگیرد. اما در مقابل باید گفت دولت به دنبال اجرای یک ماده قانونی برآمده و دیگر جایی برای دورزدن و کنارگذاشتن مجلس نبوده است، بلکه در اینجا نحوه اجرای این قانون با اشکال همراه شده است. این تصمیم یک‌شبه و یک‌دفعه با این حجم پیامد است که دولت را دچار مشکل کرده است.

به لحاظ حقوق‌بشری نیز دولت باید در برابر همه آسیب‌دیدگان پاسخ‌گو باشد، ممکن است در این روزها عده‌ای بی‌آنکه جزء تجمع‌کنندگان مدنی و اغتشاشگران باشند، در گذر از خیابان مورد اصابت گلوله قرار گرفته‌اند و باید دولت افراد تیراندازی‌کننده و کسانی که کشته شده‌اند و چگونگی مرگشان را مشخص کند، چون در اینجا قتل‌هایی صورت گرفته که باید به لحاظ حقوقی بررسی شود و تنها مرجع پاسخ‌گو هم کماکان خود دولت خواهد بود.

درهرحال، همان‌طور که مردم ایران باید نسبت به مسئولیت‌هایشان پاسخ‌گو باشند، دولت نیز باید در برابر این حوادث پاسخ‌گو باشد و در این بین اگر اعتمادی از دست رفته است، بتواند با اقناع عمومی آن را بازگرداند.

یادداشت

آقای رئیس‌جمهور! این داستان واقعی است!

احمد میراحسان

جناب دکتر روحانی با آرزوی سلامتی برای شما می‌خواهم ماجرایی واقعی و از نظر آماری ظاهرا کم یا بی‌اهمیت را برایتان شرح دهم. نمونه‌ای که شاید بتوانم راز امر کلان اعتراض‌های مردمی را از سر دوستی و خیرخواهی برای شما رمزگشایی کنم.

بی‌تردید توطئه خصم وحشی و قدرتمند جهانی برای تبدیل اعتراض مردم به اغتشاشات براندازانه در ایران و کشورهای مسلمان منطقه حقیقتی قطعی است، اما مسئله نومیدی و خشم از وانهادگی مسئولان و مدیریت ناشایست را که حقوق مردم را نادیده می‌گیرد، نباید فراموش کرد. نباید فراموش کرد تبدیل اعتراضی که مجوز اظهار قانونی‌اش صادر نمی‌شود به خشمی کور و اغتشاش نیاز به توطئه دشمن ندارد.

اما ماجرایی واقعی که معنایی نمادین دارد:

آشنایی دارم اهل کار فرهنگی و هنری. بنا بر دلایلی که حالا لزومی به اطاله کلام نیست، این آقای ۶۵ساله امروز ناچار است با حقوق بازنشستگی یک‌میلیون‌و ۳۰۰ هزار تومان زندگی کند. در آغاز ریاست‌جمهوری شما و تقاضای صرف‌نظرکردن از یارانه او نام‌نویسی نکرد و با وجود نیاز یارانه خود و خانواده‌اش را بخشید. اما پس از مدتی با واقعیت حقوق‌های چنده‌میلیونی مدیران دولتی و بهره‌مند از رانت‌های بی‌حساب و سودهای آن‌چنانی که نصیب برخی در واردات شده بود و اقتصاد نفتی و حلقه‌های تفکر نولیبرالی آویزان به سرمایه‌داری غرب مواجه شد. در این میان دو فرزندش نیز به دانشگاه رفتند و بسیار نیازمند یارانه خود و معترض به نگرفتن آن بود. بی‌اعتمادی حاصل از خلف وعده‌های شما و تداوم اقتصاد نفتی و غیرتولیدی و فساد گسترده کارگزاران دولتی و احتیاج شدید فرد آبرومندی که حالا با قرض یا کمک نزدیکان ستون فقراتش در حال شکسته‌شدن بود، علت پیگیری و اقدام برای گرفتن مجدد یارانه بود. اما یکی، دو سال است با در بسته روبه‌رو شده؛ به همه نهادهای مسئول سر زد ولی همه گفتند سایت نام‌نویسی و اعتراض و بازپس‌گیری دولت بسته است. سال‌های ریاست‌جمهوری شما با وعده‌های بی‌نتیجه در حال پایان است و او که جزء دهک پایینی مردم محسوب می‌شود از سبد حمایتی و حالا بسته حمایتی به دلیل حذف یارانه و حساب بانکی مربوط به آن محروم است. شش سال حق مسلم یک شهروند از سوی دولت بیهوده و بدون رضایت او بر باد رفته، اگر این‌همه فساد و اتلاف بیت‌المال و زندگی اشرافی کارگزاران نبود، شاید با تحمل گرسنگی و بیماری و تنگدستی، امید و اعتماد و صبر این فداکاری‌اش معنا داشت. اما حالا وعده‌های انتخابی شما برای او با نومیدی برابر شده است. به نظر شما اگر او اندکی در فهم و شناخت دشمن درنده، سست بود، امکان نداشت که به راحتی از اعتراضی که امکانش تنها در حرف وجود دارد، به سمت اغتشاش بگرود؟

اگر خوف سوارشدن ابلیس بر شورش او یا بی‌نظمی وجود نداشت، این فرد مؤمن واهمه‌ای از شورش داشت؟ امروز هنوز امید به اصلاح است که مردم وفادار به امام و رهبری را بر حذر نگه می‌دارد از تبدیل اعتراضی که مجوز ظهور قانونی نمی‌یابد به جنبشی برای اصلاح و راست‌کردن مسیر.

بازگشت به منافع ملی و نابودی فساد و آزادی قانونی و حقوق مردم و عدالت و احترام به اعتراض

مردم و اصلاح امور و بیرون‌راندن مدیران بی‌باور به عدالت و پیشرفت مستقل و به‌ویژه حساب و کتاب روز واقعه و راه امام و مراعات حقوق ملت و... تنها راه ممانعت از اغتشاش و تضمین بقای جمهوری اسلامی با اتکا به مردم است.

امروز با اعتراف آشکار دشمن غدار، سرمایه به‌غایت ارتجاعی‌شده بین‌المللی و قدرت متفرعن و سلطه‌خواه جهانی به خواست تبعیت ایران و تبدیلش به چاه نفته! و تجربه خشونت قتل و ترور و جنگ و تحریم و ده‌ها توطئه پایان‌ناپذیرش شکی در وحشی‌گری آنها نیست. مهم‌تر، حذف اسلام ناب در منطقه و نابودی تحرکت استقلال، آزادی، عدالت و پیشرفت‌خواهی کشورها و عمل مستمر بی‌رحمانه در کشتار و نابودی امکان معاش مردم کشورهای مدافع استقلال و آزادی خود عیان است. پس اغتشاش که سهل است، براندازی خشن به کمک گرگ‌های خدمتگزار و اذناب و تروریست‌های مزدبگیر، پروژه استراتژیک دشمنان عصر ماست و بدیهی است هر فتنه و حرکت خیانت‌بار در این مسیر قاطعانه باید نابود شود. اما خطر بزرگ آنجاست که این امر، پرده‌ای برابر چشمان مسئولان ما بکشد تا رفتارهای غیرمسئولانه و انحرافات اغتشاش‌برانگیز را پرده‌پوشی کند.

اتفاقی که در هفته‌های پیش افتاد ساختارزدایی تبدیل اعتراض به شورش از سر تنگنای مردم را نشان می‌دهد. در شرایطی اعتراض مردم می‌تواند به شورش بدل شود که البته نفع نهایی‌اش به قدرت خونریز سلطه‌خواه می‌رسد. فریاد «ااایرانا» وقتی در تنگنا قرار می‌گیریم و بر دلبستگی ما به یاری غرب پوزخند زهرآگین زده می‌شود، چه ارزشی دارد؟

اما ماجرای واقعی و نمادین آشنای من هرچند ظاهرا بی‌اهمیت از منظر آمار است و بسیاری از دلایل ناکارآمدی و ریشه بی‌اعتمادی مردم را در خود دارد. من هنوز امیدوار به راستگویی و صلاح امور منتظر بازشدن سایت یارانه برای نام‌نویسی مجدد و در واقع پایان بلاتکلیفی‌ها و اصلاح بنیادین امور و انضباط قانونی و اداره عقلانی امور می‌مانم.

قصه‌های شهر

من صاحبخانه‌ام، نه مستأجر

گیتی صفرزاده

واقعیت این است که بعد از ۴۸ سال زندگی در تهران صاحب خانه نشده‌ام. اگر از سال‌هایی که ساکن خانه پدری بودم بگذریم، در سال‌های اول زندگی مشترک با وام و قرض و گرفتاری یک خانه ۴۳متری خریدیم، بعد چند سال خواستیم ۱۰-۲ متری به متراژش اضافه کنیم تا نور دیده‌ای داخل زندگی‌مان بیاوریم، پس خانه‌مان را فروختیم تا پول پیش خرید خانه بزرگ‌تری را بپردازیم. ناگهان به معجزه هزاره سوم برخورد کردیم و همه چیز منفجر شد؛ شرکت سازنده خانه پیش‌خریدی به بهانه گران‌شدن زمین زیر همه چیز زد و فرمود پول ما را تکه‌تکه و طولانی‌مدت پس می‌دهد؛ آن هم در شرایطی که دیگر همان خانه ۴۳متری را نیز نمی‌توانستیم با آن پول بخریم. ما راه افتادیم دنبال... ولش کنید، گفتنش مثنوی هفتادمن کاغذ می‌شود؛ خلاصه‌اش اینکه از آن موقع تا به امروز دیگر صاحب خانه نشدیم، هر چند سال یک بار مستأجر یک خانه در یک منطقه جدید تهران می‌شویم، نوردیده و مادرجان گرامی را هم با خودمان در این مهاجرت‌های درون‌شهری سهیم می‌کنیم. خدا را شکر تا به حال صاحبخانه‌های خوبی داشته‌ایم، آزاری نرسانده‌اند و رفتار بی‌قاعده‌ای نکرده‌اند. اما هر وقت گفتند اجاره را اضافه کنید، گفتیم چشم و هر وقت گفتند خانه را تخلیه کنید، با زهم گفتیم چشم. چرا؟ چون آنها صاحبِ خانه بودند. هر چقدر هم آن خانه‌ها را دوست داشتیم و داخلش به ما خوش می‌گذشت و خاطرات ریز و درشت زندگی‌مان را در آنجا گذرانده بودیم، ولی ته دلمان می‌دانستیم آنجا خانه ما نیست، صاحبش کس دیگری است و هر وقت خانه‌اش را بخواهد، باید تقدیمش کنیم. درست است که به همین دلیل پیوند عمیقی با خانه‌هایی که تا به حال در آن زندگی کرده‌ام، نگرفته‌ام (و شاید باور نکنید حتی گاهی اوقات برای اینکه نشانی منزلم را به کسی بدهم با کمی مکث فکر می‌کنم که الان ساکن کدام خانه هستم!) اما درباره کوچه و خیابان‌های این شهر چنین احساسی ندارم. تهران، با همه بالا و پایینش، همه کوچه‌هایش، همه خیابان‌هایی که از آن گذشته ام، همه در و دیوارهایش، مال من است. آن‌قدر که نسبت به این شهر احساس «صاحبخانگی» دارم، نمی‌دانم آیا روزی نسبت به خانه‌ای خواهم داشت؟ تهران، شهر من است، مال من است و به قول آن عزیز سال‌های دور، سهم من است. جایی است که در آن متولد شده‌ام، شکل گرفته‌ام و روزهای ابری و آفتابی‌اش با زیروبم‌های زندگی‌ام گره خورده است. حالا شما -که ان‌شاءالله صاحبِ خانه هستید- اگر روزی بفهمید دیوار خانه‌تان ترک برداشته، لوله‌هایش ترکیده، سقفش چکه می‌کند یا خدای نکرده بنایش در حال خراب‌شدن است، آیا باروبندیل‌تان را برمی‌دارید و خانه‌تان را ول می‌کنید به امان خدا؟ یا فکر می‌کنید این خانه بخشی از زندگی و سرمایه شماست و باید نوسازی‌اش کنید؟ حتی اگر خانه شما به‌دلیل بی‌توجهی همسایه یا اقدام نادرست شهرداری آسیب دیده باشد، بی‌خیال آن می‌شوید یا پی ماجرا را می‌گیرید، سراغ کسی که آسیب رسانده است، می‌روید تا خانه‌تان را سالم و سرپا نگه دارید؟ این چند خط آخر را خیلی شعاری و حماسی نخوانید، فقط خواستم بگویم من صاحبخانه تهرانم و «خانه»ام را آباد می‌خواهم. هوای پاک، حمل و نقل مناسب، پیاده‌روها و خیابان‌های سالم حق من است. اگر به «صاحبخانه»بودن باور داشته باشیم، نمی‌گذاریم ما را مستأجر کنند.

پیشخوان

آخرین سیاه‌باز شمال

شماره ۱۵ فصل‌نامه فرهنگی - هنری استارباد در پاییز ۹۸ منتشر شد. این شماره نشریه که همراه با عکس هنرمند فقید، آخرین سیاه‌باز شمال ایران، «عطاالله صفرپور» است که شهریور۹۷ درگذشت. خاطره‌ای از او که در خرداد و تیر ۶۵ و ۶۶ برای روحیه‌دادن به رزمندگان عازم جبهه‌های جنگ در غرب و جنوب شده بود نیز در کنار کارنامه کاری و فعالیت‌های هنری‌اش منتشر شده است. این فصل‌نامه فعالیت‌های استان گرگان و خطه شمال را از منظر هنری و اجتماعی پوشش می‌دهد و سعی می‌کند خاطرات تاریخی و ناگفته‌هایی از گذشته و آنچه را درحال‌حاضر در این منطقه رخ می‌دهد بررسی کند. گزارشی از فعالیت‌های جامعه معلمان گرگان در زمان انقلاب و یادنامه‌هایی برای درگذشتگان در کنار بازگردانی گزیده‌ای از اندیشه‌های امین استرآبادی در این فصل‌نامه که به مدیرمسئولی و صاحب‌امتیازی علی بایزیدی منتشر می‌شود، به چشم می‌خورد. استارباد تصحیف «استرآباد» نام پیشین شهر و سرزمین گرگان است.

پیشنهاد

شب محمد بلوری، روزنامه‌نگار حادثه‌نویس

شب محمد بلوری، روزنامه‌نگار و نویسنده باسابقه مطبوعات، به همت مجله بخارا و با حضور روزنامه‌نگاران و همکاران پیش‌کسوت او در روز پنجشنبه ۲۱ آذرماه در خانه وارطان برگزار می‌شود.

محمد بلوری بنیان‌گذار صفحه حوادث در مطبوعات ایران است که کار خود را از سال ۱۳۳۶ در روزنامه کیهان آغاز کرد و تا امروز بیش از شش دهه روزنامه‌نگاری کرده است.

در شب بزرگداشت بلوری، جمعی از روزنامه‌نگاران و استادان روزنامه‌نگاری درباره حرفه خود و همکاری با او صحبت می‌کنند. محمد بلوری، بهروز بهزادی، محمدمهدی فرقانی، مسعود مهاجر، محمود مختاریان، رضا قوی‌فکر، علی دهباشی و سعید ارکان‌زاده‌یزدی سخنرانان این مراسم خواهند بود.

در شب محمد بلوری از کتاب خاطرات او نیز رونمایی می‌شود. این کتاب که به قلم این روزنامه‌نگار پیش‌کسوت و به اهتمام سعید ارکان‌زاده‌یزدی با عنوان «محمد بلوری: خاطرات شش دهه روزنامه‌نگاری» در «نشر نی» منتشر شده، شامل خاطرات او از دوران کودکی تا حال حاضر است.

خاطرات بلوری در عین اینکه نشان‌دهنده سنت روزنامه‌نگاری در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ ایران است، به تجربه متفاوت روزنامه‌نگاری در سال‌های بعد از انقلاب نیز می‌پردازد. در این خاطرات، برخی ناگفته‌های تاریخی ازجمله جزئیات جنگ ظفار، مداوانشدن حسنعلی منصور پس از ترور و جنایات سپهبد آزموده، در کنار داستان زندگی خلاف‌کارانی همچون مهدی بلیغ، ایران شریفی و هوشنگ ورامینی مطرح شده است.

علاقه‌مندان به شرکت در شب محمد بلوری می‌توانند ساعت ۱۷ پنجشنبه ۲۱ آذرماه در «خانه گفتمان شهر» (خانه وارطان) واقع در میدان فلسطین، خیابان طالقانی غربی، پلاک ۵۱۴ حضور یابند.